

## به نام خدا

کوه دماوند در فاصله‌ی ۷۵ کیلومتری شهر آمل، ۳۵ کیلومتری شمال شهر دماوند و ۷۰ کیلومتری تهران واقع شده است. بر دامنه‌های جنوبی کوه دماوند شهرهایی چون پلور، رینه و لاریجان قرار دارند. خروجی پلور در جاده هراز، از تهران ۹۵ کیلومتر فاصله دارد. قله دماوند با ارتفاع ۵۶۱۰ متر از سطح دریا بلندترین قله ایران و بلندترین آتشفشان در آسیاست. دماوند چکاد بلند البرز و بام ایران است. این قله‌ی رفیع در طول تاریخ الهام‌بخش شاعران و نویسندگان در آفرینش تاریخ اساطیری و نماد قدرت و صلابت ایرانیان بوده است. از این رو ما بر آن شدیم تا قبل از شروع فصول سرد سال و درخشان‌تر شدن کارنامه فتوحات انجمن رهسپار این کوه افسانه‌ای شویم. قرار بر این شد که سفری سه روزه توسط گروه کوهنوردی دانشگاه ترتیب داده شود و هم‌نوردانی که در سفرهای قبلی از سرند انجمن گذشتند با یکدیگر همراه شوند. روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۸ ساعت ۱۲ ظهر از جلوی درب شمالی دانشگاه عازم دماوند شدیم. در طول مسیر ناهار مختصری که هر یک از هم‌نوردان با خود به همراه داشتند، صرف شد. پس از گذشت سه ساعت وارد خروجی پلور و پای کوه در رینه از میدل باس پیاده شدیم. نفرات و قوت راه به سه گروه تقسیم شدند. سپس باروبنه خود را بر دوش گرفتیم و پشت سر لیدر گروه جناب آقای علیزاده به سمت گوسفندسرا راهی شدیم. هوا بسیار مطبوع بود و نسیم خوشایندی صورتمان را نوازش میکرد و گرمای نسبی هوا را تلطیف می‌نمود. حدود دو ساعت طول کشید تا به محل مذکور در ارتفاع سه هزار متری رسیدیم. در آنجا ساختمانی برای اسکان مسافران قله و مسجدی به نام صاحب الزمان بنا شده است. پس از کمی استراحت چادرهایمان را برپا کردیم. فردا ساعت هشت صبح پس از صرف صبحانه به سمت پناهگاه جبهه‌ی جنوبی در ارتفاع چهار هزار و دویست متری به راه افتادیم. این جبهه به علت امنیت راه و وجود آب از دیگر جبهه‌ها پر ترددتر است. حدود پنج ساعت در راه بودیم تا به مقصد آن روز برسیم. در طول مسیر بوی گیاهان کوهی مشام ما را پر می‌کرد. پوشش گیاهی راه اغلب گون است و همنشین همیشگی آن کاکوتی و اثری از درخت دیده نمی‌شود. ساختمان دو طبقه پناهگاه مشتمل بر رستوران و خوابگاهی با حدود هفتاد تخت می‌باشد. ما در نزدیکی آنجا اطراق کردیم. شب هنگام وزیدن باد شدت گرفت و دما کم‌کم پایین آمد. نیمه شب سرعت باد طوری بود که گویی قصد به پرواز در آوردن چادرها و سرنشینان‌شان را دارد. ساعت پنج صبح چادرها را به قصد قله در هوای گرگ و میش ترک کردیم. از جاذبه‌های راه آبشار یخی در ارتفاع پنج هزار و صد و ده متری، سنگ مثلث و تپه‌های گوگردی بعد از آن در نزدیکی قله است. همچنین مناظری همچون دریاچه سد لار، ستیغ دو برار و قله پاشویه چشم نوازی می‌کنند. هر چه بالاتر می‌رفتیم دمای هوا پایین‌تر و شدت باد بیشتر می‌شد تا جایی که در نزدیکی قله سرعت باد حدود پنجاه و پنج کیلومتر بر ساعت و دما به منفی شانزده درجه سانتی‌گراد رسید که تعادل گروه را بر هم میزد. همواره مسافران دماوند بیش از هر چیز خطر باد را گوشزد می‌کنند. نزدیک به قله دود گوگردی دهانه و بوی آن بر مشکل باد و سرما اضافه می‌شود. پس از تحمل این مسائل بالاخره موفق به صعودی دلنشین شدیم که خستگی را از تن ما زدود و کام ما را شیرین نمود. بر فراز قله با مشقت فراوان تصاویر انفرادی و جمعی از هم‌نوردان برای ثبت ابدی این خاطره دل‌انگیز توسط لنز دوربین جناب آقای نصرتی مدیر محترم روابط عمومی دانشگاه ضبط گردید. پس از اندک زمانی به سمت پایین رهسپار شدیم و از مسیری دیگر که شن‌اسکی بود به سرعت ارتفاعمان را کم کردیم. حدود سه ساعت طول کشید تا به چادرهایمان رسیدیم. پس از صرف ناهاری مختصر چادرها را جمع کردیم و عازم گوسفندسرا شدیم. ساعت هشت عصر به آنجا رسیدیم و با لندرورهایی که به مسافران سرویس می‌دهند خود را به جاده رساندیم و با میدل باس راهی تهران شدیم. سه ساعت بعد در جلوی درب شمالی دانشگاه هم‌نوردان از یکدیگر خداحافظی کردند و هر یک مقصدی را پیش گرفتند.

در پایان این گزارش از تمامی دست‌اندرکاران این برنامه جناب آقایان مهندس علیزاده، دکتر رستگار، فلاح و فرج‌الهی به سبب همکاری‌ها و پیگیری‌های خود جهت اجرا شدن این برنامه و همچنین جناب آقای نصرتی به خاطر تمامی مساعدت‌هایشان در طول سفر سپاسگزارم.

مانی سلیمیان

دبیر انجمن کوهنوردی آقایان